

دهه فجر و پیروزی انقلاب اسلامی ایران

باسمه تعالی

ضمن تبریک ایام الله دهه فجر و پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران به رهبری بنیانگذار عظیم الشان حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه)، توجه شما را به نکاتی در خصوص این رویداد بزرگ و تاریخی جلب می‌نمایم.

مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۷ در پیام خود چنین می‌فرماید: «امام بزرگوار ما با تکیه به تعالیم اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، و با اعتماد به ایمان دینی مردم، و با شجاعت و اخلاص و توکل کم‌نظیر خود، راه مبارزه را در میان سختی‌ها و مصائب طاقت‌فرسا گشود و پیش رفت و صبورانه و پیامبرگونه ذهن و دل مردم را با واقعیت‌های تلخ و راه علاج آن آشنا کرد. ملت ایران که از اولین قدم‌ها به ندای این مرد الهی و روحانی گوش فرا داده و به منطق حق و درس روشنگر او دل بسته بودند، با انگیزه نیرومند ایمان و عشق به اسلام، فداکاری‌ها و جان‌فشانی‌های فراموش‌ناشدنی کردند. امام بزرگوار ما در این مدت، در عین هدایت مردم و گستردن دامنه آگاهی همگانی و کشاندن توده میلیونی به مبارزه، اندیشه حکومت اسلامی را نضج و قوام بخشید و در مقابل دو مکتب رایج سیاسی عالم... راه اسلامی را مطرح کرد که در آن بر دو عنصر دین و انسان به طور اساسی تکیه شده و ایمان دینی و اراده مردمی بزرگ‌ترین شاخصه آن است.»

ماهیت انقلاب اسلامی

بزرگ‌ترین تحول قرن بیستم

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، بزرگ‌ترین تحول جهانی قرن بیستم به وقوع پیوست. بنیان‌گذار این انقلاب با قیام خود، غرور ملت‌های مستضعفی را که سالیانی مدید مورد ظلم قرار گرفته بودند، به آنان بازگرداند. او نه تنها سرنوشت کشورش را تغییر داد، بلکه میلیون‌ها انسان گم‌گشته در برهوت جاهلیت عصر مدرن را به بازگشتی دوباره به معنویت و یکتاپرستی فراخواند.

پیروزی انقلاب اسلامی، چه در داخل و چه در خارج از کشور، ناظران را با پدیده‌ای تازه در صحنه سیاسی جهان روبه‌رو ساخت. این پدیده بنا به ماهیت، اهداف و سرنوشت خود، در هیچ‌یک از معیارهای سیاسی جهان نمی‌گنجد.

انقلاب آزادی‌بخش

از آنجا که انقلاب‌های آزادی‌بخش ملی، بر ضد سلطه امپریالیستی شکل می‌گیرد و رژیم شاه در ایران نیز در طول انقلاب به عنوان رژیم دست‌نشانده امپریالیسم آمریکا بود، برخی آن را به عنوان حرکتی ضدامپریالیستی و در گروه انقلاب‌های آزادی‌بخش ملی قرار می‌دهند. اما با وجود جنبه ضدامپریالیستی انقلاب و نیز وابستگی رژیم پهلوی از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به حمایت‌ها و کمک‌های مستقیم آمریکا، از آنجا که اصطلاح «انقلاب آزادی‌بخش» به

جنبش‌هایی گفته می‌شود که بر ضد سلطه مستقیم خارجی شکل می‌گیرد، کاربرد آن در مورد انقلاب ایران چندان راهگشا نیست.

انقلاب اجتماعی

اصطلاح انقلاب اجتماعی، درباره انقلاب‌هایی به کار می‌رود که بر اثر آنها تحولات ساختاری اقتصادی - اجتماعی چشم‌گیری شکل می‌گیرد. برخی چون اسکاچپول که تحولات اجتماعی ناشی از انقلاب‌ها را به شکل وسیع‌تر تعریف می‌کنند، بر آن‌اند که انقلاب ایران، انقلابی اجتماعی است؛ زیرا با دگرگونی‌های ساختاری و ارزشی وسیعی همراه بوده است.

انقلاب اسلامی و همگانی

از آنجا که انقلاب ایران به روشنی بر جنبش سراسری و چند طبقه‌ای متکی بود، بسیاری از تحلیلگران انقلاب، آن را انقلابی مردمی یا مردمگرا می‌دانند. تردیدی نیست که انقلاب ایران از نظر نوع ائتلاف قشرهای مختلف اجتماعی در آن، پدیده‌ای کم‌نظیر به شمار می‌آید و به همین دلیل «انقلاب مردمی» قلمداد کردن آن جایز به نظر می‌رسد. البته انقلاب ایران بیشتر از هر عنوانی با نام «انقلاب اسلامی» مطرح شده است. به نظر می‌رسد که با توجه به گفتمان حاکم بر انقلاب ایران، رهبری انقلاب و همچنین شکل دولت و روابط اجتماعی بعد از آن، جا دارد که انقلاب ایران به عنوان انقلاب اسلامی مطرح شود.

زمینه‌های تأثیرپذیری جنبش‌های اسلامی از انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اثرگذار

انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های سیاسی - اسلامی معاصر تأثیر گذاشت؛ زیرا موارد مشترک فراوانی بین انقلاب اسلامی ایران و این جنبش دیده می‌شود که این تأثیر را فراهم آورد. این زمینه‌ها که از آنها به عنوان عامل همگرایی یا عناصر همسویی و همرنگی نیز می‌توان یاد کرد، عبارت است از عقیده مشترک، دشمن مشترک، هدف مشترک، وحدت‌طلبی و مردم‌گرایی.

عقیده مشترک

انقلاب اسلامی ایران، همانند هر جنبش اسلامی دیگر، به یگانگی خدا و رسالت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معتقد است، کعبه را قبله آرزوهای معنوی خود می‌داند، قرآن را کلام خداوند و منجی بشر گمراه می‌پندارد، و به دنیای پس از مرگ و صلح و برادری و برابری ایمان دارد؛ همان گونه که امام خمینی رحمه‌الله فرمود: «در کلمه توحید که مشترک بین همه است، در مصالح اسلامی که مشترک بین همه است، با هم توحید کلمه کنید.»

دشمن مشترک

انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی، دشمن مشترکی دارند. این دشمن مشترک که همان استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و اسرائیل است، همانند کفار قریش، مغولان وحشی، استعمارگران اروپایی و صرب‌های نژاد

پرست و...، کیان اسلام را تهدید می‌کند. در مقابل، انقلاب اسلامی با طرح شعار «نه شرقی نه غربی» عَلم مبارزه بر ضد دشمن مشترک جهان اسلام را به دوش گرفته است.

هدف مشترک

هدف انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، برچیده شدن فساد، اجرای قوانین اسلام، استقرار حکومت اسلامی در جامعه مسلمانان، و به اهتزاز درآوردن پرچم لا اله الا الله در سراسر جهان با تکیه بر قدرت الهی و توده‌های مردم است. البته برخی از جنبش‌های سیاسی معاصر، فقط عمل به احکام اسلام را در کشورهای خود می‌خواهند و برخی نیز خواستار تشکیل حکومتی مستقل، بدون تأکید بر شکل اسلامی حکومت هستند. بنابراین می‌توان گفت که جنبش‌های اسلامی معاصر، حیات خود را مدیون انقلاب اسلامی هستند؛ زیرا انقلاب اسلامی به اسلام و مسلمانان حیاتی تازه بخشید، آنان را از عزلت و حقارت نجات داد و اسلام را به عنوان تنها راه حل برای زندگی سیاسی مسلمانان مطرح ساخت.

وحدت‌طلبی و مردم‌گرایی

تکیه و تأکید انقلاب اسلامی و رهبری آن بر لزوم وحدت همه قشرها و همه مذهب‌های اسلامی در نیل به پیروزی در صحنه داخلی و خارجی، زمینه‌گرایش جنبش‌های اسلامی معاصر به سوی انقلاب اسلامی است؛ زیرا انقلاب اسلامی با الگو قرار دادن اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، هیچ تفاوتی بین مسلمانان سیاه و سفید، و غربی و شرقی قائل نیست و بر جنبه‌های اختلاف برانگیز در بین مسلمانان پافشاری نمی‌کند؛ بلکه با برگزاری هفته وحدت، برپایی روز قدس، صدور فتوای امام خمینی رحمه‌الله علیه سلمان رشدی و...، در راه اتحاد مسلمانان گام برداشته است. به همین دلیل، انواع گروه‌های غیرشیعی و حتی جنبش‌های آزادی‌بخش غیراسلامی، انقلاب اسلامی ایران را الگوی خود قرار داده‌اند. مردم‌گرایی انقلاب اسلامی نیز، عاملی در گسترش انقلاب و پذیرش آن از سوی ملت‌های مسلمان بوده است.

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های سیاسی اسلامی

انقلاب اسلامی ایران بر حرکت‌های اسلامی معاصر، تأثیر فراوانی گذاشته است که از آن جمله می‌توان به بازتاب سیاسی و فرهنگی آن اشاره کرد.

الف) بازتاب سیاسی

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران، تجدید حیات اسلام در جهان است. به بیان دیگر، عمر دوره‌ای که اعتماد به نفس در میان مسلمانان از بین رفته و خواهان هضم شدن در هویت جهانی بودند، به پایان رسید و انقلاب اسلامی آن اعتماد به نفسی که روزگاری پشتوانه تمدن بزرگ اسلامی بود، احیا و بارور کرد. این تجدید حیات اسلام، آثار مختلفی را برای جنبش‌های اسلامی به ارمغان آورد. یکی از این آثار، انتخاب اسلام به

عنوان بهترین و کامل ترین شیوه مبارزه است. چنین رویکردی، به معنای کنار گذاشتن اندیشه‌های غیرمذهبی است که همگی در نجات ملت‌های اسلامی از چنگال استبداد داخلی و خارجی ناتوان ظاهر شدند.

(ب) بازتاب فرهنگی

انقلاب اسلامی ایران، ارزش‌های فرهنگی جدیدی را در مبارزه سیاسی جنبش‌های اسلامی مطرح کرد. یکی از این ارزش‌ها، گرایش به جهاد است. جنبش‌های اسلامی پس از انقلاب اسلامی ایران، جهاد، شهادت و ایثار را به عنوان اصول اساسی پذیرفته‌اند.

مردمی بودن که یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران است، در جنبش‌های سیاسی اسلامی راه یافته است. این جنبش‌ها دریافته‌اند که اسلام، توانایی بسیج توده‌های مردم را دارد. تقلید شعارهای انقلاب اسلامی ایران از سوی جنبشگران مسلمان، شکل دیگر تأثیر انقلاب اسلامی ایران است. برای مثال شعار مردم مصر «لا شرقیه و لا غربیه»، مردم کشمیر «الله اکبر» و «خمینی رهبر»، شعار مردم فلسطین «لا اله الا الله»، «الله اکبر» و «پیروزی از آن اسلام است» می‌باشد.

از دیگر مظاهر انقلاب اسلامی ایران که در پیروان جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر دیده می‌شود، حجاب است. با پیروزی انقلاب اسلامی، گرایش به حجاب در نقاط مختلف جهان افزایش یافت. تظاهرات به سبک ایران نیز یکی دیگر از آثار فرهنگی انقلاب اسلامی ایران بر حرکت‌های اسلامی و سیاسی معاصر به شمار می‌آید.

جهان‌شمولی

پدیده‌های سیاسی و اجتماعی بزرگ هر جامعه، همچون انقلاب‌های مطرح در تاریخ بشر، بر تحولات فکری، سیاسی و اجتماعی در خارج از مرزهای خود اثر می‌گذارند. انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده بیرون نبوده است؛ به ویژه آنکه با رویکرد عقیدتی خود، از توانمندی تأثیرگذاری به گستره جغرافیایی جهان اسلام برخوردار بود. ویژگی اصلی انقلاب اسلامی، تبلیغ اسلام و اصول اساسی آن است. جهانی بودن انقلاب در گسترش فرهنگ اسلامی و افزایش اقتدار اسلامی جلوه‌گر می‌شود. گسترش انقلاب اسلامی نه تنها حرکتی انقلابی، بلکه وظیفه‌ای دینی به شمار می‌آید. به همین دلیل در اصل ۱۵۴ قانون اساسی آمده است: «جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان‌ها در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.»

ویژگی‌های انقلاب اسلامی

گرایش دینی

یکی از ویژگی‌های انقلاب مردم ایران، خدا محوری آن است. در اصل ۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌خوانیم: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است.»

در وصیت‌نامه پیر عرفان و بنیان گذار انقلاب اسلامی، در این باره چنین آمده است: «ما می‌دانیم که این انقلاب بزرگ که دست جهان‌خواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد، با تأییدات الهی پیروز گردید. اگر نبود دست توانای خداوند، امکان نداشت یک جمعیت ۳۶ میلیونی با آن تبلیغات ضد اسلامی و ضد روحانی خصوصاً در این صد سال اخیر... یکپارچه قیام کنند و در سرتاسر کشور با ایده واحد فریاد الله اکبر و فداکاری‌های حیرت‌آور و معجزه‌آسا، تمام قدرت‌های داخل و خارج را کنار [زند]... تردیدی نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بود که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارت زده عنایت شده است.»

مردمی بودن انقلاب

مردمی بودن در انقلاب‌های دیگر هم کم و بیش دیده می‌شود، ولی در انقلاب اسلامی ایران بسیار برجسته‌تر است. در این انقلاب، بیشتر مردم به صحنه آمدند و خواستار سرنگونی رژیم شاهنشاهی و برقراری نظام اسلامی شدند. نظامی، کارگر، کارمند، کشاورز، روحانی، دانشجو و معلم، همه و همه در این انقلاب سهیم بودند. این وجه از مردمی بودن انقلاب شاخص است. در بیشتر انقلاب‌های دیگر، عنصر اصلی مبارزه، نیروهای متشکل حزبی و شبه‌نظامی بودند که از راه جنگ مسلحانه کار را تمام کردند و نقش مردم بیشتر حمایت و پشتیبانی از آنها بود، ولی در انقلاب ما، همه مردم نقش داشتند و در سراسر کشور با یک شدت و قدرت با رژیم پهلوی به مبارزه برخاستند.

رهبری و مرجعیت

از ویژگی‌های مهم انقلاب اسلامی ایران که از ویژگی الهی بودن انقلاب سرچشمه می‌گیرد، نقش دین، عالمان دینی و رهبری و هدایت انقلاب است. همه انقلاب‌های دیگر به نوعی در مقابل دین و مذهب بودند، ولی این انقلاب با رهبری و هدایت عالمان دینی آغاز شد و به سرانجام رسید. در رأس این بزرگان، شخص امام خمینی رحمه الله قرار داشت که بالاترین جایگاه دینی، یعنی مرجعیت را دارا بود. رهبری ایشان، ویژگی‌های برجسته‌ای داشت که برخی از آنها را برمی‌شماریم:

الف) امام که مرجعی دینی بود، پایگاه وسیع و عمیق مردمی داشت.

ب) ایشان با پایه‌گذاری قیام پانزده خرداد و مدیریت و شجاعت بی‌مانند در آن جریان و ایام تبعید، رهبری سیاسی و انقلابی خود را به اثبات رساند.

ج) رهبری ایشان قاطعانه بود.

د) امام، هم طراح انقلاب بود و هم مدیر و مجری آن.

اصالت

اصالت انقلاب اسلامی ایران دو بُعد دارد: نظری و عملی. در بُعد نظری و فکری، آرمان‌ها و ایده‌های این انقلاب، وارداتی نبوده، محصول جامعه و تاریخ ایران است. اسلام و عقاید اسلامی هزار و چهارصد سال قبل از سوی ایرانیان پذیرفته شده، در این مدت به عنصر اصلی و اساسی فرهنگ و ملیت ما تبدیل شد. در بُعد عملی نیز می‌بینیم که مردم با نیروی خود و بدون کمک‌های مالی و تسلیحاتی شرق و غرب یا همسایگان و با اتکا به خداوند و شعار «پیروزی خون بر شمشیر» به پیروزی رسیدند.

اسلامی - دینی بودن انقلاب ایران

یکی از شروط درجه اول انقلاب ایران، اسلام است؛ زیرا رهبر این انقلاب فردی روحانی و مرجع دینی بوده، سازمان‌دهی آن از راه سازمان سنتی هزار ساله حوزه‌های علمیه دینی صورت می‌گرفت. سازمانی که پنج عنصر و رکن اساسی داشت؛ علما و مراجع دینی، حوزه‌های علمیه و مدارس دینی، بقعه‌ها و مزارهای متبرک، مساجد و ائمه جماعات، دستجات و هیئت‌های مذهبی. بنابراین به دلیل نقش اساسی دین اسلام در شرایط انقلاب ایران، این پدیده متصف به صفت اسلامی گردیده است.

شعارهای راهبردی

ایدئولوژی و ماهیت هر انقلاب در شکل ساده و مردمی، در شعارهای آن تجلی پیدا می‌کند و شعار، از دیرباز ابزاری برای شناساندن اهداف و مظهر خواسته‌های مردم بوده است. شعارهای مردم ایران که خواسته‌های آنها را مطرح می‌کرد، در واژه‌های زیر قرار می‌گیرد.

- استقلال

بی‌تردید بنیادی‌ترین شعار مردم در دوران مبارزات ستمشاهی، استقلال‌طلبی بود. ایرانِ زمان شاه، در حکم «ژاندارم منطقه» برای آمریکا و غرب عمل می‌کرد. قانون کاپیتولاسیون که از سوی دولت ارائه شد و به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید، مصونیت مستشاران آمریکایی را تضمین می‌کرد تا آنان بدون هیچ‌گونه ترس و نگرانی، در داخل ایران به غارت اموال و ثروت عمومی مردم بپردازند. ارتش رژیم شاه هم کاملاً در اختیار ژنرال‌های آمریکایی بود و از خود هیچ اراده‌ای نداشت.

استقلال، بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی برای مردم ایران بود. از این رو، قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل‌های مختلف خود، به صورت برجسته بر استقلال کشور تأکید دارد. امروز بدون مبالغه می‌توان گفت که ایران، مستقل‌ترین کشور دنیا به شمار می‌آید.

- آزادی

آزادی، در زمره مطالبات مردم و همواره در صدر اهداف نهضت‌ها و جنبش‌های استقلال‌طلبی و آزادی‌خواهی ایران

در دو قرن اخیر بوده است. رژیم مستبد و دیکتاتور پهلوی با ایجاد جوّ اختناق و خفقان، حداقل آزادی‌ها را نیز از ملت ایران دریغ می‌ورزید و به جای آن، زندان‌ها پُر از مجاهدان راه حق بود. مجلس‌ها و دولت‌های دست‌نشانده، یکی پس از دیگری می‌آمدند و می‌رفتند و در این میان آنچه بی‌اهمیت می‌نمود، نقش مردم و قانون بود. حکومت پلیسی که به ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با هدایت آمریکا و انگلستان برای حمایت همه‌جانبه از رژیم شاه در ایران شکل گرفت، تمام همت خود را صرف سرکوب آزادی و مبارزه با مجاهدان راه حق می‌کرد. در چنین فضایی، ملت ایران فریاد «آزادی» را در کنار «استقلال» و «جمهوری اسلامی» فریاد زدند

- جمهوری اسلامی

شهید آیت‌الله مطهری بر این عقیده بود که «جمهوری»، شکل حکومت بوده، «اسلامی» محتوای اداره کشور را نشان می‌دهد. جمهوری اسلامی، با رأی بیش از ۹۸ درصد مردم ایران جای‌گزین رژیم سلطنتی شد. حضرت امام خمینی رحمه‌الله هم این روز را عید اعلام کرده، در پیامی به این مناسبت فرمودند: «مبارک باد بر شما چنین حکومتی که در آن اختلاف نژاد و سیاه و سفید و ترک و فارس و کرد و بلوچ مطرح نیست. همه برابرند... و تفاوت بین زن و مرد و بین اقلیت‌های مذهبی و دیگران در امر اجرای عدالت نیست.»

- نه شرقی، نه غربی

شعار مهم نه شرقی نه غربی، گویای نفی سلطه بیگانگان بر امور داخلی کشور است. با پیروزی انقلاب اسلامی، راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی در ذیل سیاست نه شرقی، نه غربی بر چند اصل استوار است: نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان، عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر، روابط صلح‌آمیز متقابل با دولت‌های غیرمحارب، ممنوعیت انعقاد هر قراردادی که موجب سلطه بیگانه شود، و حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه جهان. در سایه اتخاذ چنین سیاستی بود که ابعاد مبارزه با استکبار در ایران گسترش یافت و فرهنگ بیگانه‌ستیزی و ضداستکباری نهادینه شد.

ضرورت شناخت انقلاب اسلامی

در قرن ما پیروزی انقلاب اسلامی در ایران حادثه مهم و حیرت‌انگیزی برای جهان بود که می‌توانست در رابطه با مسائل سیاسی جهان و منطقه ایفاگر نقش تعیین‌کننده و تحولات غیر قابل پیش‌بینی باشد.

این حادثه بزرگ قرن از یکسو معادلات سیاسی استکبار را در ادامه سیاست سلطه و تقسیم استعماری جهان بهم زد و از سوی دیگر یکی از استوارترین رژیم‌های وابسته را که از حمایت قدرتهای بزرگ برخوردار بود ریشه کن نمود و در کشوری چون ایران با اهمیتی که از نظر استراتژیکی و اقتصادی برای قدرتهای بزرگ جهان دارد تحولی سیاسی - مردمی و عظیم بوجود آورد.

مهمتر از این دو روند انقلاب اسلامی با آگاهی های عمیقی که در میان ملت های مسلمان جهان بویژه در کشورهای اسلامی بوجود آورد زمینه تحولات سیاسی ریشه دار و بینشها و گرایشها و حرکتها و سازماندهی های سیاسی چشمگیری را فراهم آورد.

این جریان سیاسی یکبار دیگر اسلام را به عنوان یک قدرت تعیین کننده در جهان مطرح نمود و چشم انداز وحدت بزرگ جهان اسلام و حرکت عظیم بازایی خویشتن خود و گریز از سلطه و ایستادگی در برابر استعمار کهنه و نو و ایجاد قطب سیاسی جدید در جهان و فروریزی رژیم های وابسته و تحمیلی را در سرزمین های پرنعمت اسلامی در برابر دیدگان مشتاق ولی غم و یاس گرفته یک میلیارد مسلمان گشود و موجی از وحشت و اضطراب در دل های پر از امید و آرزوی استعمار گران آفرید.

به اعتراف تحلیل گران سیاسی شگفتی های که انقلاب اسلامی در جهان آفرید بیشتر از آن های است که دنیا در طول شصت سال اخیر بخود دیده است ، شگفتی های که تحلیلها، تئوریا و پیش بینی های صاحب نظران سیاسی را بی اعتبار نموده است.

انقلاب اسلامی بلوک بندیها و نظام دوقطبی تثبیت شده در نظام بین المللی کنونی جهان را درهم ریخت و با وجود تضاد عمیقی که بر روابط دو ابر قدرت حاکم بود و آن دو را آشتی ناپذیر می نمود وادار به سازش و اتخاذ موضع واحد در برابر این پدیده سیاسی جدید نمود و تحولات عمده ای را در مسائل مختلف جهان بدنبال آورد. غرب طی چند تجربه تلخ در مصاف با یکپارچگی اسلام در جریان جنگ های صلیبی و درگیری با امپراطوریه های اسلامی و مانند آن خاطرات ترسناک و تکان دهنده ای را در حافظه تاریخ خود بیان دارد ولی این بار خطر عظیمتر و گسترده تر و دهشتناکتر از آن بود که در گذشته دیده بود.

پدیده کاملاً نوظهور مقاومت در لبنان با الهام از انقلاب اسلامی و جهان اسلامی در مصر و دیگر کشورهای اسلامی برای غرب بیش از آنچه که تصور می کرد وحشتناک و طلیعه جهنمی سوزان برای استکبار بود. انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب های دیگر جهان از یک سلسله ویژگیها و امتیازهای اصولی برخوردار است که از نظر فرهنگ و دانش و تئوری انقلاب آن را در رده بالای پدیده های سیاسی بزرگ و انقلاب های مهم جهان قرار داده است مزایای چون ماهیت ایدئولوژیکی ، قدرت رهبری ، و عمق تحولات ناشی از انقلاب موجب گردیده که بسیاری از صاحب نظران علوم سیاسی در تئوری های انقلاب در کشورهای اسلامی تجدید نظر کنند و الگوی جدیدی را مورد بررسی قرار دهند. و از سوی دیگر متفکران و بنیان گذاران حرکتها و نهضت های اسلامی همواره الگوهای انقلاب را در لابلای تاریخ اسلام جستجو می کردند و هر کدام سعی بر آن داشتند که از حوادث برجسته تاریخ اسلام در تبیین راه و حرکت و خط مشی و شیوه خود الهام بگیرند و روند و حرکت خود را دنباله جریانه های تاریخی گذشته اسلام قلمداد کنند.

فروغ انقلاب اسلامی که پس از صدر اسلام مهمترین و ریشه دارترین و شکوهمندترین حادثه تاریخ اسلام است همه درخشندگیهای فرازهای برجسته تاریخ اسلام را دربرگرفت و جایگزین همه الگوهای گذشته تاریخ اسلام گردید.

بی شک با مطالعه حتی سطحی و گذرا در زمینه ماهیت انقلاب اسلامی و بازتابهای جهانی آن و دستاوردهای که برای ملل مسلمان بویژه ملت مسلمان ایران به ارمغان آورده است ما را به این نتیجه می رساند که انقلاب اسلامی نه تنها حادثه بزرگ قرن در جهان و تاریخ ایران است بلکه خود از مهمترین فرازهای تاریخ اسلام و پدیده ای شگفت انگیز و معجزه ایست الهی که تجلی قدرت لایزال خداوند - علی رغم قدرتهای مادی و شرایط بر حسب ظاهر غیر قابل تغییر سیاسی و اجتماعی محسوب می گردد

تاریخ تحلیلی انقلاب های گوناگون، یکی از گنجینه های عظیم و میراث های گرانبهای بشری است که با بررسی آن ها می توان نقش و اهمیت هر یک را در مسیر پرفراز و نشیب جوامع انسانی دریافت و با عبرت آموزی از آنها، مسیر حرکت خویش را روشن تر نمود؛ چرا که گذشته چراغ راه آینده است و به فرموده حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه): «(تاریخ معلم انسان هاست.)) (اکنون به سی امین سالگرد انقلابی نزدیک می شویم که پیروزی آن موجب تبدیل ساختار سیاسی جهان از نظام دو قطبی به نظام سه قطبی ((اسلام (بنیادگرایی اسلامی)، کاپیتالیسم، کمونیسم ((گردید.

انقلاب اسلامی ایران، بی هیچ تردیدی معجزه ای الهی بود که به دست معجزه گر مردی از سلاله پاک پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، (به انجام رسید و نگاه امید مظلومان و مستضعفان جهان را به خود خیره ساخت.

تاثیر عملی و سریع انقلاب اسلامی در منطقه و برآشفتن شعله خشم مردم مسلمان و غیر مسلمان در بسیاری از کشورهای تحت سلطه استعمار، خود گواه روشنی بر این مدعاست؛ زیرا در کمتر مقطعی از تاریخ بشریت، شاهد پیروزی و تاثیر گذاری قاطع یک جنبش صرفا مردمی بوده ایم.

این جنبش الهی، همه متفکران و سیاستمداران را به حیرت و تعجب واداشت زیرا هیچ یک از تحلیلگران و سازمان های جاسوسی دنیا که به دقیقترین وسأل کسب اطلاعات سری مجهز بودند، نتوانستند وقوع چنین انقلاب شگرفی را در منطقه حساس خاورمیانه و در دوره اقتدار شاهنشاهی حاکم بر ایران پیش بینی نمایند. بررسی ماهیت و علت و ابعاد مختلف این حرکت عظیم الهی نه تنها از آن رو ضروری می نماید که شناخت این نهضت به استمرار و حفظ آن کمک می نماید زیرا ادامه یا ثبات آن بدون شناخت دقیق ماهیت و ابعاد آن، تقریبا ناممکن است - بلکه لزومش از آن جهت نیز رخ می نماید که بدون فهم اعجاز و الهی بودن آن و همچنین

استثنا بودن این حرکت رعد آسای اسلامی، نمی توان از عمق جان، بدان دل بست و خداوند را بر آن شکر گزار بود که ((لئن شکرتم لازیدنکم)) (شکر نعمت، نعمت افزون کند).

برای شناخت انقلاب اسلامی ابتدا به دلایل لزوم پرداختن به بررسی نهضت انقلاب اسلامی می پردازیم و سپس ویژگی های آن را مورد بررسی قرار می دهیم، سپس نظریات مختلف در باب عوامل پیروزی انقلاب اسلامی را در بوته نقد قرار می دهیم و پس از بیان مختصر دست آوردهای مهم انقلاب اسلامی، در پایان نتیجه عملی پرداختن به مباحث قبلی را ذکر خواهیم نمود.

الف - ضرورت شناخت تحلیلی انقلاب اسلامی:

به طور کلی می توان از پنج محور در جهت اثبات ضرورت پرداختن به بررسی انقلاب اسلامی ایران بهره جست که عبارتند از:

- دریافت ارزش انقلاب.

آگاهی دقیق از سیر پیدایش این نهضت و وضعیت فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور در زمان رژیم سابق، سبب می گردد تا گرانبهائی این گوهر استثنایی را در دنیای زور و استکبار امروز، بهتر و بیشتر دریابیم و با احساس مسوولیت عمیق تری، قدردان موهبت استقلال جمهوری اسلامی باشیم.

- جلوگیری از انحراف انقلاب. رمز انحراف هر نهضتی، در انحراف از ریشه های استواری آن نهضت نهفته است، به عنوان مثال، نهضتی که بر پایه اقتصاد و تکیه بر پول پولداران استوار شده است، با تقلیل امکانات مادی رو به انحطاط خواهد گذاشت. و بالعکس، نهضتی که ایمان و ایدئولوژی در آن حرف اول را می زند، گر چه از تاثیر عوامل اقتصادی بر کنار نخواهد ماند، اما تهاجم فرهنگی برنده ترین سلاح در قطع ریشه های آن خواهد بود.

- تثبیت انقلاب.

- تداوم انقلاب.

- صدور انقلاب.